وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره ۱۷ | دوشنبه ۲ جدی ۱۳۸۲ | ۲۹ شوال المکرم ۱۴۲٤ - 23 December 2003

سرمقاله

اکثریت مردم نظام پارلمانی می خواهند

ص۲

اسلام و دموکراسی

ص۳

در نهمین روز لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی



- □ کار کمیتهٔ تفاهم با آهستگی پیش می رود
- □ مشکلات محلی بجای بحث روی قانون اساسی بیشتر مطرح می گردد
- □ کمیتهٔ تفاهم تا هنوز ۷ ماده را به تصویب رسانده است
- □ قرار است یک نفر از هر ولایت به کمیته تفاهم شامل شوند



در نهمین روز لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی ، کمیته های ده گانه، بحث هایی مقدماتی بالای مسوده را تکمیل نمودند.

نمایندگان مردم به جای بحث روی مواد قانون اساسی بیشتر به طرح مشکلات محلی شان پرداختند. با تکمیل شدن بحث مقدماتی، کمیته تفاهم جلسهٔ مهم کاری را دایر نمود اما این کمیته تا هنوز توانسته است صرف هفت ماده را تصویب نماید. اگر به همین آهستگی کار کمیتهٔ تفاهم به پیش برود بحث روی تصویب قانون اساسی مدتی زیاد را دربر خواهد گرفت. قرار است ازهر ولایت یک، یک نفر شامل کمیتهٔ تفاهم گردند. گفتنی است که شماری از مقامات خواستار عضویت درکمیتهٔ تفاهم شدند اما هیأت مدیره این موضوع را مداخله در امور خود تلقی نموده و از آن جلو گیری بعمل آورد.

در حاشیهٔ برگزاری لویه جرگهٔ قانون اساسی

عبدالصبور دولتشاهی | ایالات متحده

حکــومت بد قــاران

حامد کرزی در اولین روز افتتاح لویه جرگهٔ قانون اساسی بیانیه یی ایراد کرد که بیانگر بی پردهٔ واقعیت های جالب و در عین حال خطرناکی است که برذهن وفکر عده یی از سیاست مداران مسلط است، این بیانیه حدس وگمان ها در مورد برنامه هایی را که کرزی وگروه مورد اعتماد شان برای آیندهٔ کشور در سر می پرورانند به یقین نزدیک می سازد. چیزی که قبول آن مشکل وتأسف بار است.

نکته یی بسیار جالب در بیانیهٔ رئیس دولت انتقالی در این روز تاریخی این بود که ایشان برای پیش برد امور مهم کشور تقرر آدم های وطن دوست وبدقار(بدقهر) را چارهٔ کار دانسته اند. ایشان بعد از این که رشوت وفساد اداری را مذمت فرمودند، برای علاج آن ایجاد اداره یی دیگر را ضروری دانستند که در رأس آن یک نفر«وطن دوست» و«بدقاز» قرار داشته باشد. ص۲

پارلمان یادملت ژبه

لاروی

روانه لویه جرگه چی دملت دانتخابی استازو په گډون ئی خه موده دمخه داساسی قانون په مسودی مشوری شروع کړی زمونږ دګرانو هیواد والو دامید سترګی دی ته دی چی لویه جرگه په جنګ خپلی ملت ته خه زیری ورکړی

او دراتلونکی دپاره به دلاری مشعل خه وی؟

هوکی: پدی لاره کی دجرګی داستازو نقش تاکونکی او هغه تاریخی لوی مسئولیت د دوی په غاړه دی چی هم دسولی بهیر ګړندی شی او هم دوطن دبیا جوړونی دپاره لازم او هر اړخیزه شرایط برابر کړی چی تولو هیواد والو ته دملو وروی پدی توګه چی دملت ژبه پارلمان« دملت دهغو استازو لخوا جوړشی چی په حقیقت کی د دی جګړه خپلی هیواد دګود ګود مشکلاتو خخه په تمامه معنی خبرتیا ولری او همدارنګه سیاسی نظامونه داسی مهار کړی چی پری نه ږدی دا احتیاج ولی باغرور او باعزته ملت بیا دچا دهوسو ښکار شی.

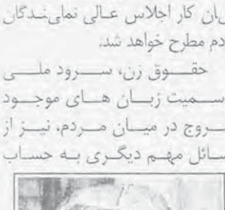
دجرګی استازی باید په کلکه سره دی ته توجه ولری چی تحمیلی نظامونه یا هغه نظامونه چی دخپل ولس اراده تمثیل نکړی پایښت نلری. نولازمه ده چی موږ واقعی او دګران هیواد دتولو میشت قومونو، ملیتونو او مختلفو اقشارو خخه داسی پارلمانی نظام ولرو چی دغرض خاوندانو ته یکښی حتی دسوال خایی پاتی نه وی ترڅو وتوانیږو دګران هیواد«متوازنه» بیاجوړونه تطبیق او ګران هیواد افغانستان مو دسوکالی په لور چټک ګامونه واخلی دخبرو خخه عمل او په عمل کښی سرعت تقاضا ده ترڅو دموجوده سیاسی وضعیت او دبین المللی تولنی دملاتړ خخه لازمه او مشروع ګټه دګران هیواد او هیواد والو په ګټه واخلو او پریږدو چی ګران هیواد مو خدای ناخواسته« بیا داجنبو دهوسونو ښکار شی.

نمایندگان مردم ونظام سیاسی آیندهٔ افغانستان

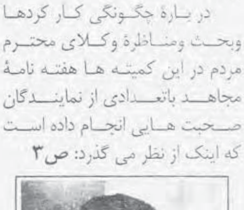
بیشترین بحث ها در کمیته های کاری ده گانه که نمایندگان منتخب مردم افغانستان در آنها مصروف بحث و داوری در باب مسودهٔ قانون اساسی اند، بحث چگونگی نظام سیاسی آیندهٔ کشور است وهمچنان موضوع جانشینی پارلمانی که باید در کابل باقی بماند وبرکار کردها وفعالیت روزانهٔ دولت نظارت وکنترول داشته باشد. در پایان کار اجلاس عالی نمایندگان مردم مطرح خواهد شد.

حقوق زن، سرود ملی ورسمیت زبان های موجود ومروج در میان مردم، نیز از مسائل مهم دیگری به حساب می آید که در این کمیته ها به بحث گرفته شده ودر برابر هرکدام از این مسائل دیدگاه ها ونظریاتی گوناگون جمع آوری وتدوین گردیده است تادر کمیتهٔ تفاهم در حضور همهٔ نمایندگان به صورت عملی بار دیگر به ارزیابی گرفته شود وبه مرحلهٔ نهایی تصویب برسد.

در بارهٔ چگونگی کار کردها وبحث ومناظرهٔ وکلای محترم مردم در این کمیته ها هفته نامهٔ مجاهد باتعدادی از نمایندگان صحبت هایی انجام داده است که اینک از نظر می گذرد: ص۳



انجنیر عبدالرووف وکیل منتخب
ولسوالی روئی دوآب سمنگان



دکتر کرام الدین وکیل منتخب
ولسوالی دره صوف سمنگان

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت:

به نظر من نظام جمهوری پارلمانی بهتر از سایر نظام ها است که از صلاحیت های رئیس جمهور کاسته و به صلاحیت های پارلمان افزوده شود.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تاسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

اکثریت مردم نظام پارلمانی می خواهند

نوعیت نظام آینده به مطلب اساسی مطبوعات ومباحثات لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی مبدل گشته است. امر مسلم این است که اکثریت مردم از نظام پارلمانی واز داشتن یک پارلمان مقتدر پشتیبانی وحمایت می کنند.

واضح است که کسی نمی خواهد حق خود را از دست بدهد؛ پس چگونه امکان دارد که مردم به نظامی رأی بدهند که مطلق العنانی از صفات برجستهٔ آن باشد؟

مشکلاتی را که مردم افغانستان در چند دههٔ اخیر متحمل گردیدند ناشی از بی توجهی نظام ها به مشارکت ملی ونقش مردم بوده است ودر احوالی که قرار است نخستین گام ها برای حل مشکلات دامنه دار کشور برداشته شود، ایجاد یک پارلمان قوی به حیث مشروع ترین مرجع نمایندگی از مردم می تواند اولین اقدام در این راستا باشد.

سهم ندادن به مردم ونمایندگان شان در نظام به معنای بیگانه ساختن نظام از مردم است واضح است که هیچ نظامی در بیگانگی و دوری از مردم نمی تواند موفق وصاحب اعتبار گردد.

آنانی که ده سال تجربهٔ مقدماتی برای نظام ریاستی مطلق العنان را ارایه می دهند، باید متوجه باشند که افغانستان حد اقل ۲۵ سال تجربهٔ نظام های غیر پارلمانی را دارد که تجربهٔ موفقی نبوده است.

دوسال پسین نیز نمونه یی از نظام ریاستی است وناگفته پیدا است که دولت از عدم حضور پارلمان بامشکلاتی بسیار جدی مواجه بوده است.

تجربه های چند دههٔ اخیر نشان می دهد که در افغانستان بدون داشتن یک پارلمان مقتدر، رهیدن از مشکلات دامنه دار ممکن نیست وبهتر است همه به این نکته مسؤولانه متوجه باشند که منافع ملی را نسبت به هر امری دیگر ترجیح بدهند وخیال بافی را کنار بگذارند.

بقیه از صفحه اول

حکومت بدقاران

برای من شنیدن این نکته از زبان رئیس جمهور کشور در مجلسی که مردم برای تعیین سرنوشت آیندهٔ شان در پرتو قانون ونظم گردهم آمده اند، سخت تکان دهنده بود، تکان دهنده از این جهت که در مجلس ترتیب وتصویب قانون، رئیس دولت انتقالی اسلامی، که کاندیدای احتمالی ریاست جمهوری آینده هم هست، از قانون وسیستم نی بلکه از قهر وزور افرادسخن می راند وآن را از عناصر حلال مشکلات بر می شمارد. اگر همچو گفته یی را قبول کرده و در همه امور به کار ببندیم، بعید نیست که در رادیو واخبار چنین بشنویم وبخوانیم که: به یک نفر وطن دوست وبدقار برای احراز کرسی ریاست کمیسیون... نیاز است.

باهمه طنز آلود بودن همچو باوری، چنان می نماید که این صادقانه ترین بیانی از جانب رئیس دولت باشد که باتمام کنش هایی که در گذشته ها، مصاحبه های شان بروز داده است این بار نیز با روحیه وپیشینهٔ موضع گیری های سیاسی افراد شناخته شدهٔ شامل گروه همکاران شان همخوانی تام دارد که می گفتند برای مبارزه بامواد مخدر، قطع جنگلات، زدودن تنش ها ومهار کردن جنگ های گروهی، ویا اسکان مجدد مهاجرین داخلی، اسکان کوچی ها، وسایر مشکلات کشور نیز همچو کمیسیون هایی تشکیل شود که در رأس آن ها افراد وطن دوست وبدقار قرار گیرند. سرانجام نتیجه چنان می شود که حتی برای پیش برد امور مملکت نیز نیازی به دولت متشکل از قوای ثلاثه وهمکاری مطبوعات نیست بلکه کمیسیون عالی(شورای انقلابی وطن دوستان بدقار) تشکیل شده وکشور را نه به اساس قانون بلکه با وطن دوستی؟!! وقهر اداره بکنند.

شاید عده یی چنان استدلال کنند که گویا، اظهار این نکته یک اشتباه لفظی است وریشه در نیات ایشان ندارد ویا هم این که منظور جناب رئیس دولت انتقالی صرف این بوده است که می خواسته اند بگویند برای پیش برد همچو اموری به افرادی جدی نیاز است. سوال این جا است که آیا برای انجام کوچک ترین امری در کشور می توان بدون داشتن افرادی جدی کاری را به پیش برد. وانگهی برای تثبیت این که چه کسانی افراد«وطن دوست وبدقار اند» وچه کسانی نیستند معیار چیست؟ مگر نه این است که تعیین همچو افراد مبتنی برشناخت شخصی است نه بر ضوابط اداری وکاری؟ این را جناب حامد کرزی خود بهتر از هرکسی دیگر می دانند وقتی که نظام وقانونی وقابل قبول برای همهٔ مردم ملاک عمل حکومت ها نباشد، خوب ترین وجدی ترین افراد نیز از اجرای امری نیک وخیر ناتوان خواهند بود. اگر می گویند نی، خودشان در گذشته ها چرا نتوانستند مصدر خدمت قابل توجهی شوند؟ این در حالی است که در ایشان ماشاء الله حتی استعداد رئیس جمهور شدن هم وجود داشت وبه قدر کافی جدی هم بودند.

باید خاطر نشان ساخت که اگر این نکته سهواً از زبان جناب عالی برآمده باشد، قابل قبول است، اما تمام شواهد وقرائن می رساند که آنچه از ضمیر رئیس دولت انتقالی برزبان مبارک شان برآمده است اصلی است راستین وپایه در باورهای اساسی ایشان وگروه دستیاران شان دارد. پافشاری ایشان برنظام ریاستی وصلاحیت های بی حد وحصر رئیس جمهور نیز پایه در همین نیت واشتهای حکمرانی (بدقارانه) دارد. ایشان بدون ابراز حتی احترام لفظی به رأی مردم، عشق سوزان شان برای حکمرانی را بدقارانه بیان داشته وقبلاً گفته اند که صرف در صورتی حاضر به کاندیدای ریاست جمهوری خواهند بود، که نظام ریاستی در قانون اساسی مورد پذیرش لویه جرگه قرار بگیرد. معنای دیگر همچو اظهار نظری این است که ایشان در برابر رأی ملت شرط می گذارند وحاضر نیستند رأی ملت را در صورت مخالفت با آرزوهای شان بپذیرند. جناب کرزی ودستیاران شان به زودی پس از نشر پیش نویس قانون اساسی، در مصاحبه ها وابراز نظرهای شان، نشان دادند که طرفدار بی قیدو شرط پیش نویس قانون اساسی در شکل موجود آن هستند. حتی جناب کرزی تاجایی پیش رفتند که اعلام کردند. ایشان صرف در صورتی کاندیدای ریاست جمهوری خواهند بود که نظام ریاستی پیش بینی شده در پیش نویس قانون اساسی به تصویب برسد. دقیق نمی دانم که چنین بیانی از جانب عالی جناب کرزی، قهر وتهدید است ویا نازی شرین برای خریداران وجود بی نظیر شان در صحنهٔ سیاسی افغانستان.

با آن همه، این اظهارات بسیاری را به این باور راسخ تر ساخته است که، جناب رئیس دولت انتقالی وهمکاران ومعتمدان نزدیک شان در کار کمیسیون تدوین پیش نویس قانون اساسی مداخلهٔ همه جانبه داشته اند. زیرا پیش نویس را صد فیصد موافق به میل خود ساخته اند. آن ها باوجودی که ظاهراً خواهان داوری مردم واظهار نظر آن ها به این قانون شده اند اما بدون گذاشتن اندک ترین جایی واحترامی به آرای مردم، همه اظهار نظر می کنند که این پیش نویس از هرجهت تکمیل است. اظهارات جناب کرزی در روز افتتاح لویه جرگه مبتنی برهمین نکته بود که این پیش نویس برای قانون اساسی گویا توسط خبرگان ومتخصصان حقوق از سراسر دنیا ساخته شده است. معنی ضمنی همچو بیانی همین است که گویا اصلاً وظیفهٔ نمایندگان تنها تایید فرمایشات مندرج در پیش نویس قانون اساسی است وجای بحثی دیگرنیست.

نگاهی به اسامی وپیوند های قومی وسیاسی افرادی که گردانندگان مجلس افتتاحیهٔ لویه جرگه بودند از سرگیری نظام های متکی به زور، اعمال فشار، مرکزیت یک جانبه، در یک جا جمع شده به خاطر همان نظام قومی، فردی وگروهی برکشور را می رساند.

طنز تلخ مساله این جا است که، بیشتر تکتایی داران دموکراسی پوش وغرب دیده واز غرب برگشته، طرفدار یک حکومت ریاستی قوی(ویقیناً بدقار) هستند و در سوی دیگر آنهایی که به نام جنگ سالار وضد دموکراسی، دستار پوش وریش دار گفته وشناخته می شوند در موضع طرفداری از نظام پارلمانی وسهم هرچه بیشتر مردم در تعیین سرنوشت شان قراردارند. آن یکی باظاهری دموکراتیک، خواهان دیکتاتوری است واین دیگری باظاهری عقب مانده و سنتی، طرفدار سهم در خور مردم در تعیین سرنوشت شان وجلوگیری از تمرکز قدرت در دست افراد وگروه ها می باشند.

> **آن یکی باظاهری دموکراتیک، خواهان دیکتاتوری است واین دیگری باظاهری عقب مانده و سنتی، طرفدار سهم در خور مردم در تعیین سرنوشت شان.**

باچنین اشتها وعشقی که گروپ رئیس دولت برای حکمرانی«وطن دوستانه وقهر امیز» دارند تایید نظام ریاستی باصلاحیت های بی لجام رئیس جمهور نگرانی هایی شدید وجدی را بار آورده است. معلوم نیست در مدت بعد از ختم لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی تا انتخابات برای تعیین رئیس جمهور واز آن به بعد تا آغاز کار مجلسین شورا، چه کارهایی در جهت تأمین حکومت«بدقاران وطن دوست» در این کشور صورت خواهد گرفت، زیرا در این مدت که حدود یک سال را در بر خواهد گرفت، هیچ مقام ومرجعی وجود ندارد که این حکمروایان نزد آن جوابده باشند. مطابق پیش نویس قانون اساسی، رئیس جمهور در رأس کابینه قرار داشته و قوهٔ اجرائیه را لگام می زند. مطابق پیش نویس قانون اساسی، رئیس جمهور تعیین می شود وشورای ملی وجود ندارد که این انتصاب را مورد تایید ویا تردید ویا وزرا را مورد مواخذه قرار بدهد. اگر به این اصطلاح عنصر قهر موجه و«وطن دوستانه» را هم علاوه کنید، ابعاد مصیبت وفاجعه از محاسبه فراتر خواهد رفت. ومن یقین دارم که در این مدت باتشکیل کمیسیون های کذایی وقرار دادن افرادی دلخواه بدقار و وطن دوست وکارهای بدقارانهٔ زیادی را به نفع منافع ملی تعریف شده از جانب خودشان وتایید مشاوران داخلی وخارجی شان به سربرسانند.

وچنین است که صدام ها به وجود می آیند. صدام نیز برای تحکیم پایه های حکومت«وطن دوستانه» خودش را توجیه می کرد، آن را به منافع علیای ملی عراق می دانست و از این راه که برایش کف می زدند و از او قهرمان ورهبر می ساختند.اما دیدیم که این نظام درمیان جامعه ومردم پایه نداشت وسرانجام زمانی که قوای خارجی می آیند کسی نیست که برای سقوطش اشکی بریزد. وهمان هموطنان خودش بودند در به دام انداختن او باقوای خارجی کمک می کنند وگرفتاری زبونانه اش را جشن می گیرند. خداوند رهبران ما وآنهایی را که کمر همت برای ملت بسته اند از وسوسه های همچنانی نگه دارد وچشم های شان را برای دیدن حقایق هرچه بیشتر روشن تر بسازد تاسعادت دنیوی واخروی را نصیب شوند. ورنه سرانجام حکومت ها وحکام بدقاری که قهر خود وکسان خود را به جای قانون ونظام قانونی گذاشتند، ورأی اکثریت ها واقلیت های کشور خود را پشت پا زدند چیزی بهتر وخوب تر از چنان سرانجام ها نخواهد بود.

اسلام ودموکراسی

عبدالحلیم ثاقب خیرآبادی

بشر از سپیده دم تاریخ تا امروز طرزهای گوناگون حکومت واسلوب های مختلف اداره را آزموده است. اسلوب حکومتی که امروز در جهان از طرفداران بیشتر برخوردار است. کشورها، دولتمردان وسیاستمداران دم از آن می زنند همانا نظام دموکراسی می باشد. البته دموکراسی خود وسیله یی است برای رسیدن به هدفی والاتر وغایه یی برتر که همانا برخورداری عامه ویا اکثریت مردم، از رفاه، آرامی وزندگی بهتر می باشد. به خاطر رسیدن به این هدف، طوری که اشاره شد، بشر اسلوب ها ونظام های مختلف اداره را آزموده است وگویا از محک آزمون وی رژیم دموکراسی بی عیب وبی غش برآمده است. بناءً باید دید که دموکراسی چیست؟ معنای آن چه وچه نوع حکومتی را دموکراسی می گویند؟

دموکراسی «Democrat» لفظ لاتین بوده از دو بخش(دموDemo یا دموس Demos به معنای مردم، توده، جمهور، ملت وخلق، وکراتCrat یاکراسیCrasy به معنای حکم، حکومت، اداره و ولایت) تشکیل گردیده است. دموکرات Democrat یا دموکراتیک Democratic از مشتقات آن می باشد. به این معنی، مفهوم کلی آن حکومت مردم می باشد یعنی راندن حکومت برمردم توسط خود مردم، یابه عبارهٔ دیگر رژیمی که در آن حاکمان ومدیران، از میان خود محکومان برگزیده می شوند. به این معنی مردم خود در اتخاذ تصامیمی که به آینده وسرنوشت آنها تعلق دارد اشتراک می ورزند.

اگر برتعریف فوق دوباره مرور کنیم وبرآن دقت نماییم در می یابیم که در آن تنها کلمهٔ Demo یا مردم آمده است ودر مورد این که این مردم چه عقیده، ایدیالوژی ویا باوری داشته باشند اشاره یی نشده است. از همین جاست که بشر با ایدیالوژی ها وباورهای گوناگون خواهان پیاده کردن چنین نظامی بوده است، صرف نظر از مصداقیت آن حتی رژیم های بسیار دیکتاتور ومطلقه نیز در گذشته های دور ویا نزدیک دم از دموکراسی زده اند.

به همه حال رژیم دموکراسی متضمن سه مفهوم کلی ویا اساسی می باشد که عبارت است از:

۱- اکثریت ۲- تأمین حقوق ۳- آزادی

۱- اکثریت عبارت از اکثریت مردم ویا اکثریت آرای مردمی است که در اتخاذ تصمیم سهم می گیرند. در این جا بازهم یاد آور می شویم که جامعه شناسان براکثریت تعداد مردم ویا آرای آنها قایلند ودر این اکثریت قیدی وجود ندارد که آنها پابند کدام عقیده، ایدیالوژی ویا باور باشند، واضح است که این اکثریت، در جوامع مختلف دارای ایدیالوژی ها وباورهای مختلف می باشند وبه اساس همین ایدیالوژی وباور به ابراز رأی خواهند پرداخت.

۲- تامین حقوق اقلیت: اقلیتی که در یک جامعهٔ دموکرات زندگی می کند همه حقوق آن در پرتو رژیم دموکراسی مصؤون می باشد.

۳- ازادی: البته آزادی یک مفهوم عام ونسبی دارد. در رژیم دموکراسی همه افراد جامعه از آزادی های مختلف برخوردار می باشند. همین که می گوییم آزادی حق همه افراد جامعه است در حقیقت ماگستره وپهنای آن را محدود کرده ایم، یعنی یک نفر تازمانی می تواند از حق آزادی خویش استفاده نماید(البته هرگونه آزادیی که باشد، آزادی بیان، اندیشه، ملکیت و...)که مزاحم حق آزادی دیگری نگردد.

...

کشور عزیز ما یک کشور اسلامی بوده ومردم متدین آن سالیان درازی در جهت تثبیت هویت اسلامی خویش جنگیده اند، در پرتو آنچه در بالا گفته شد آیا می توان گفت که دموکراسی باارزش های عقیدتی ما سازگار است ویا این که درجهت مخالف آن قرار دارد؟

برخی از نویسندگان(غیر اسلامی وحتی اسلامی) بر آنند که دموکراسی باارزش های اسلامی منافات دارد. به گفتهٔ این نویسندگان مصدر اصلی حکم ویا تشریع در جهان بینی اسلامی خداوند است، احکام صادره از طرف خداوند(ج) ثابت بوده وتغییر پذیر نیست ولی مصدر حکم در رژیم دموکراسی، مردم می باشند که نظر به ضرورت وتقاضای وقت قوانینی را وضع می کنند ویا عندالموقع آن را تعدیل می نمایند. ایشان می افزایند که اسلام مخالف آزادی است در حالی که یکی از پایه های اصلی دموکراسی آزادی می باشد.

اگر دموکراسی را حکومت مردمی بدانیم وآن را رژیمی بپنداریم که نقیض حکومت های فردی، استبدادی. مطلقه ودیکتاتوری است ودر سهیم ساختن افراد جامعه، از طریق اجرای مشوره ونظر خواهی، در اتخاذ تصامیمی که به سرنوشت وآیندهٔ آنها تعلق می گیرد، به این مفهوم دموکراسی بااسلام منافاتی ندارد. همان خداوند یگانه که مصدر احکام و واضع شریعت است، ما را به مراعات دموکراسی، مردم سالاری. عدم حکومت مطلقه، شرکت دادن مردم در اتخاذ تصامیم وانتخاب حاکم صالح از میان خودمان امر می کند، وبه این امر نه تنها در حالات عادی بلکه در حالات اضطراری وغیر عادی هم تأکید می دارد:

طوری که به همگان روشن است حضرت پیامبر«صلی الله علیه وسلم» پس از نظر خواهی ومشوره بایاران به جنگ دفاعی احد پرداخته وموقعیت آن را به اساس نظر آنها انتخاب نمود ولی در پایان، نتیجهٔ آن جنگ به مستوای مطلوب نبود. باوجود آن هم خداوند«جل جلاله» در پی جنگ مذکور که یک حالت غیر عادی برای مسلمانان بود، پیامبرش را امر می کند و می فرماید که: انها را - یارانت را- مورد عفو قرار بده وبرای آن ها طلب مغفرت کن وباآنها در امور مشورت کن.

جایی که این امر قاطع در چنین حالتی اضطراری از طرف خداوند برپیامبرش نازل می شود، پیامبری که در همه حالات وحی والهام خداوندی راهنمای راهش بود وخود در بارهٔ وی می فرماید«سخان وی از روی هوا وهوس نیست بلکه به اساس وحی است که بروی نازل می شود» وچنین پیامبر ورهبری را باچنین خصوصیتی خداوند به اجرای مشوره، نظر خواهی وسهیم ساختن دیگران در اتخاذ تصامیم فرا می خواند. پس حال رهبران عادی در حالات عادی چه خواهد بود. برخی از اندیشمندان اسلامی اجرای مشوره، نظر خواهی واشتراک افراد جامعه را در اتخاذ تصامیم برحاکم اسلامی واجب می دانند.

جای دیگر خداوند«ج» اجرای مشوره ونظر خواهی را در ردیف ارکان اساسی اسلام- پیروی از خداوند، نماز، انفاق وزکات ذکر می کند: «آنانی که به ندای پروردگارشان لبیک می گویند، نماز را برپا می دارند، امور خویش را بامشوره پیش می برند واز آنچه که خداوند به آنها ارزانی داشته نفقه وخرچ می کنند»

البته این همه بیانگر مشوره ونظرخواهی یا رأی گیری در اسلام می باشد که اساس مهم دموکراسی را تشکیل می دهد.

مشوره ونظر خواهی در چه مواردی صورت گرفته می تواند؟

فقهای اسلام امور وقضایا را به دوبخش اصلی ومهم - عبادات ومعاملات- تقسیم می کنند. درمورد عبادات ومسائل حدود، احکام خداوندی ثابت بوده به اساس مشوره ونظر خواهی نمی توان درآن تغییری وارد کرد، ولی معاملات که یک طیف وسیعی از امور زندگی را در بر می گیرد. مانند سیاست، اقتصاد، اداره، تجارت، روابط بین الدول و... می تواند مورد مشوره، نظر خواهی ورای گیری قرار گیرد وبه اساس آرای اکثریت در مورد آن فیصله به عمل آید.

قابل یاد اوری است که در رژیم های دموکراسی غربی هم همه امور مورد نظر خواهی، رای گیری وارای عامه قرار گرفته نمی تواند. بسا از مسائل علمی، تاریخی وغیره است که آرای عامه در آن دخلی ندارد مثلا به اساس نظر خواهی وارای عامه نمی توان ارتفاع قلهٔ ایوریست را مشخص نمود ویا نمی توان گفت که جذر عدد ۲۵۶ به اساس آرای اکثریت هجده می باشد نه شانزده. ویا این که جهت معلوم نمودن شمار الکترون های مدار خارجی عنصر واکسیجن وغیره رفرندمی به راه انداخت.

نمایندگان مردم ونظام سیاسی...

- انجنیر عبدالرووف نمایندهٔ انتخابی مردم ولایت سمنگان در رابطه به پرسشی که از جانب خبرنگار هفته نامهٔ مجاهد مطرح شد، چنین ابراز عقیده کرد:

- در بنیاد مسائل اختلافی نداشتیم، مبنای اعتقاد مردم افغانستان را دین مبین اسلام تشکیل می دهد وبنابرآن در نقش دین وکار برد موادقانون در این رابطه تفاهم کلی وجود داشت. بنا برآن نظام آیندهٔ کشور جمهوری اسلامی افغانستان نامیده خواهد شد.

به صورت عموم، وکلای محترم در کمیتهٔ چهارم که من عضویت آن را داشتم طرفدار نظامی بودند که نقش پارلمان در آن برجسته باشد.

ما به این عقیده بودیم وهستیم که فقط در یک پارلمان باصلاحیت امکان جلوگیری از استبداد وجود دارد.

ما بااکثریت قاطع حدود چهل در صد مواد مسودهٔ قانون اساسی را تعدیل نمودیم.

به گونهٔ مثال در یک ماده، ما قید کردیم که دین مردم ودولت افغانستان دین مبین اسلام می باشد.

در بارهٔ سرود ملی اکثریت به این رأی دادند که به هردو زبان باشد وفارسی دری وپشتو زبان های رسمی شناخته شوند.

در بارهٔ فصل انتقالی، ما به این عقیده بودیم که اگر لازم می دانند به محمدظاهر، پادشاه سابق امتیازاتی داده شود، چرا نباید برای قهرمان ملی وشهدای جهاد افغانستان هم امتیازاتی موجود باشد؟

خانمی به نام حقوق زن سخن گفت و بررهبران جهاد تاخت وسخنان بی هوده یی برزبان آورد که تعدادی دیگر از خواهران او را ملامت کردند وگفتند: ما حقوق وامتیازات خود را مطابق شریعت دین مبین اسلام مطالبه می کنیم ونه بیرون از آن. یک طرح جدی ما این است که یک پارلمان جانشین وموقت باید در شهر کابل باقی بماند ونشود که مثل جمع آوری ما در لویه جرگهٔ اضطراری، وعده هایی داده شود وبعد از ختم کار اجلاس به همه بگویند: خدا حافظ

گر چه مطابق فیصلهٔ کنفرانس بن تاریخ انتخابات برای ریاست جمهوری جوزای سال ۱۳۸۳ تعیین گردیده است. اما ممکن است این تاریخ به بعد تر موکول گردد. بنا برآن موجودیت یک پارلمان لازم است. تاخلایی به وجود نیاید.

- عبدالوهاب نمایندهٔ انتخابی ولایت بلخ وکیل مردم البرز:

من در کمیتهٔ نهم حضور دارم اکثریت وکلا از گروپ ما سیستم آینده را نظام پارلمانی پیشنهاد کردند.

یعنی رئیس جمهور در برابر پارلمان منتخب مردم مسؤول وپاسخ گو باشد.

نظر اکثریت قاطع نمایندگان در گروپ کاری ما به این نکته تکیه دارد که از میان همین وکلای موجود باید یک پارلمان موقت تشکیل گردد وجانشین این اجلاس عالی قرار داده شود. تابتوانیم عمل کرد دولت را به بازپرس گرفته ملت را در روشنی قراردهیم.

تمام آن کسانی که در افغانستان زبان فارسی دری را زبان مفاهمه و واسطه، میان خود می دانند، اکثریت بزرگ وتعیین کننده هستند، تمام اقلیت های قومی در افغانستان شامل همین صف هستند، پس این زبان اکثریت باید زبان سرود ملی باشد وسرود موجود حفظ شود. آنچه خلاف این بیان می شود، ناشی از تعصب قومی وزبانی است وریشه در اعمال استبدادی وضد ملی حکومت های دوسه قرن گذشته دارد. قانون نباید در خدمت حلقات وگروه های خاص ومعین قرار داشته باشد.

ما باید به وحدت ملی نظر داشته باشیم، واز زد وبندها ومسائل حزبی و گروهی صرف نظر کنیم.

فصل انتقالی به نظر ما یک فصل زاید است باید حذف گردد.

حقائق باید گفته شود، چرا برخی رسانه ها مسائل را کم وزیاد می کنند واز بعضی مسائل کوچک یک مسألهٔ بزرگ می سازند.

- داکتر کرام الدین وکیل زاده، نمایندهٔ منتخب مردم درهٔ صوف ولایت سمنگان:

- من در کمیتهٔ پنجم هستم. نکتهٔ مهم نزد ما این بود که ما به یک نظام پارلمانی اتکا داشته باشیم.

در مادهٔ دوم جمله یی نامفهوم وجود داشت وما آن را چنین اصلاح کردیم:

دین مردم ودولت افغانستان دین مقدس اسلام است.

سرود ملی ما باید به زبان اکثریت مردم افغانستان یعنی فارسی دری باشد. برای سایر زبان ها هم زمینه هایی مساعد آموزش ورشد موجود باشد ومطابق قانون باید سهولت هایی در این زمینه وجود داشته باشد.

فصل انتقالی به نظر ما یک فصل زاید است وسپردن این همه امتیاز برای کسی که هیچ خدمتی برای ملت انجام نداده وهنگام مواجه شدن ملت به دو تجاوز در دو مرحلهٔ بسیار حساس هیچ سهمی در جهاد ومقاومت نداشته است، هیچ معقولیت ومشروعیت ندارد. این کار سوء استفاده از ملت است.

ما شهیدان وقهرمانانی داریم که فراموش می شوند اما برای افرادی که از بیرون آورده می شوند، امتیازاتی می بخشند والقابی می دهند که مورد سوال ملت است وهیچ کس به قناعت ملت هم نمی پردازد.

چرا احمد شاه مسعود شهید فراموش می شود، ذبیح الله شهید فراموش می شود ومانند این ها دیگران فراموش می شوند، اما برای یک ادم عادی یک فصل جداگانه در قانون اختصاص داده می شود.

شخصیت های جهادی در قلب ملت ودر خون ملت باقی هستند، هیچ کس نمی تواند آن ها را به یاد فراموشی بسپارد.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم　سال دوم　شماره ۱۷　سه شنبه ۲ جدی ۱۳۸۲　۲۹ شوال المکرم ۱٤۲٤ - 23 December 2003

احمد ولی مسعود:

درساختار دولت آینده، داشتن پارلمان قوی یک اصل ضروری است

«احمد ولی مسعود» سفیر افغانستان در لندن ضمن گفتگوی اختصاصی باخبرنگار رادیو بی.بی.سی دیشب گفت: «درساختار دولت آینده اگر برمبنای نظام ریاست جمهوری هم باشد، ضرورت داشتن پارلمان قوی که متشکل از نمایندگان انتخابی وباصلاحیت مردم باشد، یک اصل ضروری است.»

او هدف از ضرورت داشتن پارلمان را در یک بررسی کلی این گونه مطرح کرد: «یکی از ویژگی های محسوس داشتن پارلمان در جنب ریاست جمهوری این است که می تواند از انحصار قدرت رئیس جمهور جلو گیری کند زیرا حضور پارلمان یکی از اصول مبتنی برارزش های تفکر مردم سالاری است.»

این اظهار نظر به روشنی بازگو کنندهٔ مشارکت مردم وتوجه به خواست آنان در تشریک مساعی به خاطر ساختار یک نظام مردم سالار است؛ زیرا یکی از موارد سازنده ونهادینه در اصل دموکراسی، جلوگیری از دیکتاتوری وانحصارگری قدرت به دست فرد، عنوان شده است .

ابراز نظر آقای«ولی مسعود» باتوجه به درک عمیق شان از وضعیت جاری، در مهم ترین مرحلهٔ حیات سیاسی ما(تصویب قانون اساسی) مطرح می گردد که طرح چنین مسأله یی از لحاظ شگردهای عملی در سیاست، می تواند بازتاب دهندهٔ دومؤلفهٔ زیرباشد:

۱- نخست این که مردم باتوجه به مبارزهٔ طولانی شان در دوره های«جهاد ومقاومت» وتجربهٔ بیست وسه سال تنش در کشور بگونهٔ طبیعی حق مشارکت در ساختار دولت آینده را

> **داشتن پارلمان در جنب ریاست جمهوری از انحصار قدرت رئیس جمهور می تواند جلو گیری نماید.**

از آن خود می دانند؛ زیرا اکنون مردم افغانستان با باور کامل به ارزش های اسلامی ومبتنی به فرمان خداوندی«وامرهم شورای بینهم» علاقه مند حضور مردمی واقعاً آزاد خود در تصمیم گیری های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی واجتماعی هستند. تاکید آقای مسعود در یک بررسی کلی نقطهٔ عطفی است که می تواند، بازتاب دهندهٔ آرزوها وامیدهای مردم وتوجه به شرکت آنان در ساختار نظام آینده پنداشته شود.

۲- تأکید، برحق حضور مردم توسط نمایندگان منتخب آنان در پارلمان واصل وجود پارلمان قوی در درون نظام آینده، فقط برمبنای محصور ساختن صلاحیت های رئیس جمهور صورت گرفته می تواند زیرا اگر پارلمان قوی که واقعاً ممثل اراده وصلاحیت مردم باشد، در جنب نظام آینده وجود نداشته باشد واز سویی نهادهای قضایی در عمل کرد شان زیر تأثیر قدرت فردی رئیس جمهور باشند، پس در صورت تخطی رئیس جمهور از اصول وقوانین مطرح وتصویب شده در کشور، رئیس جمهور به کدام مرجع پاسخ گو خواهد بود؟

واقعاً داشتن پارلمان قوی در کشور یکی از ضروریات محسوس در فرایند ساختاری نظام آینده پنداشته می شود. مسألهٔ داشتن پارلمان مقتدر، مضاف براین که از بروز تنش ها وچالش های بعدی جلوگیری می کند، قدرت ومسؤولیت سیاسی را باابعاد فرعی اش، همراه بایک دوره بندی معین به مردم تقسیم می کند وپس از آن«قدرت» و«مسؤولیت» به مثابهٔ دو اصل مردمی و دو مؤلفهٔ سیاسی، هویت مردم سالار کسب می کند.　**کابلی والا**

څینې خاصې ټولنې دخلکو له استازیو څخه

دریاستي نظام دمنلو غوښتنه کوي

د واشنګټن پوست ورځپاڼه دخپلې وروستي ګڼې په سرمقاله کې لیکي:

لویه جرګه له څو واره ځنډیدلو اود پردې شاته له پرله پسې مذاکراتو وروسته پرانستل شوه. څو په لویه جرګه کې به دټولو توده او دپام ورموضوع د دغه هیواد دراتلونکي نظام ټاکل وي د ورځپاڼې په وینا دري نظرئې په دغه هکله موجودې دي دافغانستان سیاسي نظام دې جمهوري وي او جمهور رئیس ته دې پراخ صلاحیتونه ورکړل شي دوهم داچې دافغانستان سیاسي نظام دې پارلماني وي او یوه ډله په دې باور ده چې راتلونکی سیاسي نظام دې شاهي وي او د ورځپاڼې په اند کوم ګوند چې د دې نظرئې لپاره کار کوي دافغانستان پخواني پادشاه محمدظاهر دی.

واشنګټن پوست د ډیپلوماتیکي منابعو له خولې لیکي امریکائي مامورینو او کرزي د دري ډلو قومي او مذهبي مشران دپخواني جمهور رئیس استاد رباني په ګډون دي ته ور وبلل ترڅو دریاستي نظام چې دکرزي لخوائې وړاندیز شوی دی ملاتړ وکړي.

واشنګټن پوست لیکي: ښاغلي رباني دخپلې تیرې ورځې په یوه مرکه کې ویلي دي چې له ده څخه په دې اړه ډیرو کسانو چې په هغو کې دمتحده ایالاتو سفیر زلمي خلیلزاد دملګرو ملتونو خاص استازی لخضر براهیمي هم شامل دي

د ریاستي نظام دتائید غوښتنه کړې ده واشنګټن پوست زیاتوي: یوه بله ستونزه چې دسیاسي معاملې خبره پیچلې کوي هغه په اساسي قانون کې داسلام رول دی.

ورځپاڼه وائي: دخلکو ډیراستازي او په لویه جرګه کې محافظه کار غړي په اساسي قانون کې داسلام او شریعت دقوانینو په رسمي توب ټینګار کوي څو دحکومت څینې غړي، امریکائي مامورین او افغانستان ته کمک ورکوونکي د دې نظر مخالف دي واشنګټن پوست په پای کې دغربي ډیپلوماتانو له قوله لیکي، کرزي او امریکائیان جرګې ته په دې عقیدې چې لویه جرګه ئې داسې تنظیم کړې ده چې نتیجه به ئې هغه څه وي چې دوی ئې غواړي.

کابل مجدداً هدف حملات موشکی قرارگرفت

شب گذشته دست کم دو موشک به سوی مناطقی از شهر کابل پرتاب شد.

به گفتهٔ مقامات امنیتی، یک موشک به منطقه قلعهٔ فتح الله و موشک دیگری در نواحی غیر مسکونی ساحات شمال کابل اصابت کرده است. این حملهٔ موشکی تلفات جانی در پی نداشته اما به یک واحد مسکونی خساراتی وارد آورده است. همچنان منابع نیروهای آیساف از وقوع چهار انفجار در شهر کابل خبر داده است.

دوشنبه هفتهٔ گذشته ، نیز دست کم دو موشک به مناطق مسکونی شهر کابل اصابت کرد. آقای جلالی گفته بود که گزارش هایی در مورد فعالیت های تروریستی، مین گذاری، پخش شبنامه، برنامه ریزی برای ترور اشخاص و برخی اقدامات خرابکارانه در زمان برگزاری لویه جرگه قانون اساسی دریافت شده است. لویه جرگه تصویب قانون اساسی افغانستان نهمین روز کار خود را پشت سر گذاشته است و مقامات انتظار دارند روز پنجشنبه به کار خود پایان دهد.

از نامه های آمده

به جریده وزین مجاهد:

برای تان آرزوی موفقیت وبهروزی دارم.

سخنان استاد سیاف در لویه جرگهٔ قانون اساسی مرا واداشت تا این نامه را بنگارم وامیدوارم آن را باامانت داری به جناب استاد برسانید.

استاد سیاف با(۹۵) درصد حضور در لویه جرگه
مسئولیت تصویب قانون اساسی را به دوش می گیرد؟

بررسی هویت نمایندگان شرکت کننده در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی جدید افغانستان نشان می دهد که بیشترینه تعداد نمایندگان مردم، متعلق به مجاهدین وهواخواهان آنها می باشند.

آشکار شدن این وضعیت کلی بود که رسانه های غربی از آن هراسان شده وبه تبلیغات دامنه دار وگسترده آغاز کردند که گویا زورمندان وقوماندانان از وضعیت سود جسته اند وبه جای نمایندگان واقعی مردم به لویه جرگه راه یافته اند. از میان(۳۲) تن از نمایندگان انتخاب شده در کابل(۲۸) تن آنان متعلق به مجاهدین وهواداران شان می باشند که این نمونه می تواند در سایر شهرها و ولایات نیز تطبیق گردد.

در چهارمین روز برگزاری لویه جرگه خانم ملالی جویا وکیل منتخب ولایت فراه که تعدادی او را منصوب به سازمان مائویستی راوا می دانند در برابر نمایندگان اظهار داشت که چرا رئیس جلسه ودست اندرکاران لویه جرگه جنایت کاران را در یک گروپ تنظیم ننموده اند تا باردیگر معلوم شود که آنها برای مردم چه می کنند ومدعی شد که جابجایی این جنایت کاران در گروپ ها مشروعیت لویه جرگه را زیر سوال می برد.

به دنبال اظهارات نامبرده وضعیت در تالار لویه جرگه برهم خورد وطرفداران مجاهدین باخشم شدید عکس العمل نشان دادند وخواهان اخراج او از جلسهٔ لویه جرگه گردیدند.

اخلال نظم جلسهٔ لویه جرگه موجب شد تا استاد سیاف از رهبران مجاهدین به جایگاه حاضر شود واز تریبون لویه جرگه از حاضرین بخواهد تانظم مجلس را مراعات کنند وبه جاهای شان بنشینند.

استاد سیاف طی صحبت خود یاد آور شد که مردم افغانستان هنوز از مجاهدین طرفداری می کنند وآنها را آزاد کنندگان وطن وسرزمین خود می دانند چنانچه (۹۵) در صد از نمایندگان حاضر مجلس از مجاهدین اند.

نکته یی مهم این است که اگر(۹۵) درصد نمایندگان لویه جرگه را به قول استاد سیاف مجاهدین تشکیل می دهند آیا مسؤولیت تصویب قانون اساسی را نیز آنها به عهده خواهند گرفت؟

آنچه مسلم است این است که روند کار لویه جرگه به آن سمت وسویی حرکت ندارد که مردم افغانستان آرزو دارند وبه آن امید نمایندگان شان را به لویه جرگه فرستادند.

وقتی این نمایندگان نتوانند حسب آرزوی موکلان شان قانونی را تصویب کنند پس معنی این را دارد که آنها به تعهدات شان پابند نبوده وامیال مؤکلان شان را پشت پا زده اندویاهم زیر فشار رفته اند.

حالا که استاد سیاف مدعی(۹۵) در صد موجودیت طرفدارانش در لویه جرگه است معلوم نیست آیا او شخصاً مسؤولیت تصویب قانون اساسی را به عهده خواهد گرفت؟ اگر نه چرا استاد چنین ادعای سربالایی را در برابر ملت می کند.

استاد طی چند روز از گذشت لویه جرگه، دوباره به عنوان سخن گوی مجاهدین قد علم کرد دیده شود که در چند روز آینده او به عنوان دارندهٔ(۹۵) در صد آرای لویه جرگه با خود، چگونه از ارزش های اسلامی و جهاد ومقاومت مردم افغانستان دفاع خواهد کرد وچسان در زدودن تبعیض ونابرابری از متن قانون اساسی اقدام خواهد کرد.

حالا که در حضور داشت(۹۵) در صد نمایندگان مجاهدین نماینده یی از مخالفان شان برآنها می تازد وبه آنها توهین می کند وخواستار محاکمهٔ آنها به عنوان جنایت کاران می گردد دیده شود که پس از تصویب قانون اساسی چه خواهند کرد؟

امیدوارم در آن روز نیز استاد جوابگوی ۹۵درصد مردم مجاهد افغانستان باشد.　**فیروز صالحی از ولایت پروان**